

# خدا را دوست بدارید و یکدیگر را دوست بدارید

مرقس فصل ۱۲ آیه ۲۸ تا ۳۴

خطبه ۱۳ فوریه ۲۰۲۲

کشیش کریس سیکس

## مقدمه

امروز به سوال هفتم از تعلیمات شهر جدید نگاه می کنیم.

من سوال را می خوانم و سپس پاسخ را با هم می خوانیم.

## سوال هفتم: شریعت خدا چه می خواهد؟

اطاعت شخصی، کامل و همیشگی؛ که ما خدا را با تمام قلب، روح، ذهن و قدرت خود دوست داریم. و همسایگان خود را مانند دوست خود بداریم.

آنچه را خدا نهی می کند هرگز نباید انجام داد و آنچه را که خدا امر می کند همیشه باید انجام داد.

هفته آینده مطالعه ده فرمان را آغاز خواهیم کرد و بیشتر در مورد آنچه خدا نهی می کند و آنچه خدا به ما دستور می دهد صحبت خواهیم کرد. امروز ما بر عشق به خدا و همسایگان خود تمرکز خواهیم کرد. بیایید به خواندن کتاب مقدس امروز نگاه کنیم.

## مرقس فصل ۱۲ آیه ۲۸ تا ۳۴

۲۸ یکی از معلمان شریعت در آنجا ایستاده بود و به بحث گوش می داد.

او متوجه شد که عیسی به خوبی پاسخ داده است، بنابراین پرسید: "از بین همه احکام، کدام یک از همه مهمتر است؟"

۲۹ عیسی پاسخ داد: «مهمترین فرمان این است: «ای اسرائیل گوش کن، خداوند خدای ما خداوند یگانه است.

۳۰ و باید یهوه خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام عقل و تمام قوت محبت کن.

۳۱ دومی به همان اندازه مهم است: «همسایه خود را مانند خود دوست بدار.» هیچ فرمانی بزرگتر از اینها نیست.»

۳۲ معلم شریعت پاسخ داد: «خوب گفتی استاد، تو راست گفتی که فقط یک خداست و دیگری نیست.»

۳۳ و می‌دانم که مهم است که او را با تمام قلب و تمام فهم و تمام قدرتم دوست داشته باشم و همسایه‌ام را مانند خودم دوست داشته باشم. این مهم‌تر از تقدیم همه قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های لازم در قانون است.»

۳۴ عیسی که متوجه شد آن مرد چقدر فهمیده است، به او گفت: «تو از پادشاهی خدا دور نیستی.» و بعد از آن دیگر هیچ کس جرأت نکرد از او سوال بپرسد.

با هم اشعیا باب ۴۰ آیه ۸ را می‌خوانیم:

«چمن‌ها پژمرده می‌شوند، گل‌ها کمرنگ می‌شوند، اما کلام خدای ما تا ابد پابرجا خواهد ماند.»

بیا با هم دعا کنیم

پدر، لطفاً روح القدس را بفرست تا در حین موعظه به من حکمت و حقیقت بدهد. لطفاً قلب و ذهن ما را به روی حقیقت خود باز کنی تا بتوانیم شما را در هر کاری که انجام می‌دهیم تجلیل کنیم. ما این را به نام خداوند ما عیسی می‌خواهیم.

آمین

عیسی در طول زندگی خود گفتگوهای زیادی با معلمان شریعت داشت، مانند مردی که در آیه ۲۸ وجود دارد. کشیشان و کشیشان و رهبران مذهبی مانند این رهبرانی هستند که از جانب خدا دعوت شده‌اند تا هم به خدا و هم به انسان خدمت کنند. آنها باید در روابط عمودی و افقی به هم متصل شوند. رهبران دینی باید در روابط عمودی سالم با خدا باشند و زندگی مقدس با وجدان پاک داشته باشند. آن رابطه عمودی با خدا آنها را قادر می‌سازد تا معلمان و واسطه‌های افقی برای خلق خدا باشند.

اما رهبران مذهبی ۲۰۰۰ سال پیش در اورشلیم اغلب به صورت افقی از مردم جدا بودند.

چرا؟ چون خودشان را از دل خدا جدا کرده بودند. قانون سرد خدا را به خوبی می‌دانستند، اما دل گرم خدا را نمی‌شناختند. وقتی از دل خدا جدا شدیم از همسایگان خود نیز بی‌تفاوت خواهیم شد. خوشحالم که مرد متن امروز کمی با برخی از آن رهبران مذهبی خونسرد تفاوت داشت. عیسی در آیه ۳۴ از این مرد تعریف کرد.

۳۴ و چون عیسی دید که عاقلانه جواب داد، به او گفت: «تو از ملکوت خدا دور نیستی.» و پس از آن دیگر کسی جرأت نکرد از او سوال کند.

چگونه می‌دانید که از ملکوت خدا دور هستید یا به آن بسیار نزدیک هستید؟ چگونه می‌توانید بفهمید که واقعاً خدا را دوست دارید؟ این سوالی است که ما امروز به آن پاسخ می‌دهیم. آیا به چیزی در مورد کلمات مفرد و جمع در متن کتاب مقدس امروز توجه کردید؟ در آیه ۲۸ معلم شریعت دینی از عیسی پرسید: «از بین همه احکام، کدام یک از همه مهم‌تر است؟» او می‌خواهد بداند کدام یک از احکام مهم‌تر است. آیا عیسی یک جواب به او داد؟ خیر در آیه ۳۱ عیسی گفت: «دوم به همان اندازه مهم است:» همسایه خود را مانند خود دوست بدار.» هیچ فرمانی بزرگتر از اینها نیست.»

عیسی گفت این دو فرمان (جمع) یکی از مهم‌ترین دستورات (مفرد) است. چرا عیسی این را گفت؟ به نظر شما پاسخ اول مهم‌ترین است، فکر نمی‌کنید؟ آیا مهم‌ترین چیز این نیست که خدا را با تمام قلب، تمام روح، تمام ذهن و تمام قدرت خود دوست داشته باشید؟

شاید بتوانیم به این شکل فکر کنیم: آیا می‌توانی ایمان من را ببینی؟ آیا می‌توانم ایمان شما را ببینم؟ نه، ما نمی‌توانیم آنچه را که در دل و ذهن همسایه

مان می‌گذرد ببینیم. با این حال، آیا راهی برای سنجش میزان دوست داشتن خدا وجود دارد؟ وجود دارد. خداوند به ما اندازه‌گیری می‌دهد تا محبت خود را به خدا بسنجیم. و آیا می‌دانید آن سنج چیست؟ عشق به همسایه است.

ما قبلاً خواندن این کتاب مقدس را شنیدیم. اشعیا نبی از افرادی انتقاد می‌کند که برای نشان دادن عشق خود به خدا مراسم مذهبی مانند روزه را انجام می‌دهند. اما جعلی و خالی است.

اشعیا فصل ۵۸ آیه ۴ و ۷ تا ۹

۴ وقتی به دعوا و نزاع ادامه دهید، روزه گرفتن چه فایده‌ای دارد؟ این نوع روزه گرفتن شما را هرگز با من به جایی نمی‌رساند.

۵ شما با گذر از حرکات توبه خود را فروتن می‌کنید، آیا این را روزه می‌گویید؟ آیا واقعاً فکر می‌کنید که این امر خداوند را خشنود می‌کند؟

۶ «نه، این همان روزه‌ای است که من می‌خواهم: کسانی را که به ناحق زندانی شده‌اند آزاد کنید، بار کسانی را که برای شما کار می‌کنند سبک کنید، ستم‌دیدگان را آزاد کنید و زنجیرهایی را که مردم را می‌بندند بردارید.

۷ غذای خود را با گرسنگان تقسیم کنید و به بی‌خانمان‌ها پناه دهید.

۹ آنگاه هنگامی که شما صدا بزنید، خداوند پاسخ خواهد داد.

خدا از طریق اشعیا به ما می‌گوید که عشق و ایمان ما اگر توخالی باشد واقعی نیست. خدا می‌تواند از طریق فعالیت مذهبی پوچ ببیند. خدا می‌تواند ببیند که آیا فحان ما از بیرون تمیز است، اما از داخل کثیف است.

این داستان را با من تصور کنید. تام با سوزان ازدواج کرده است. تام در روز تولد و روز ولنتاین برای او گل می‌خرد. او را ماهی یک بار برای شام بیرون می‌برد و در سفرهای خاص. تام تقریباً هر روز به سوزان می‌گوید «دوستت دارم». تام با سوزان ازدواج کرده است، اما تام دو دوست دختر نیز دارد. تام همچنین برای مری و جنیفر گل می‌خرد. او مری و جنیفر را به شام و سفرهای ویژه می‌برد.

به نظر شما سوزان در این مورد چه احساسی دارد؟ آیا سوزان وقتی تام می‌گوید «دوستت دارم» تام را باور می‌کند؟ نه، او حرف او را باور نمی‌کند. شاید اگر تام هر روز می‌گفت: «سوزان، من تو را با تمام قلبم و با تمام روحم و با تمام ذهنم و تمام قدرتم دوست دارم!» آن وقت فکر می‌کنی آن وقت او او را باور خواهد کرد؟ نه، او این کار را نخواهد کرد. چرا؟ زیرا اعمال تام با سخنان او در مورد عشق مطابقت ندارد. او یک چیز می‌گوید، اما کار دیگری انجام می‌دهد.

لطفاً به این دو فرمان که عیسی درباره آنها صحبت می‌کند، با من نگاه کنید. به کلمه «عشق» نگاه کنید. عشق در این جملات چه نوع کلمه‌ای است؟ آیا فاعل، اسم، فعل یا صفت است؟ این یک فعل است، درست است؟ عیسی از عشق به عنوان فعل یا کلمه عمل جمله استفاده کرد. این مهم است. ما اغلب عشق را به عنوان یک احساس در نظر می‌گیریم و اینطور هم هست. اما احساسات ما می‌آیند و می‌روند. احساسات ما ثابت نمی‌ماند. و گاهی اوقات قلب ما به ما دروغ می‌گوید.

ارمیا نبی چنین نوشت: «قلب از همه چیز فریبده است، و به شدت بیمار است، چه کسی می‌تواند آن را درک کند؟» (ارمیا فصل ۱۷ آیه ۹)

دل ما را فریب می‌دهد. قلب ما به ما می‌گوید که می‌توانیم کارهای خطرناک و ناسالم را بدون عواقب انجام دهیم. یک موضوع رایج در فیلم‌ها و دنیای امروز این است که «از قلبت پیروی کن». این توصیه بدی است. قلب من بدون روح القدس گم شده است. من نمی‌توانم به قلبم اعتماد کنم که مرا به تصمیمات خوب هدایت کند. احساسات ما قابل اعتماد نیستند زیرا به راحتی تغییر می‌کنند.

اکنون شش هفته به سال ۲۰۲۲ رسیده ایم. بسیاری از مردم در اول ژانویه به خود قول می دهند. آنها می خواهند وزن کم کنند یا ورزش کنند. شاید تصمیم گرفتید هر روز صبح قبل از سر کار یا مدرسه بیدار شوید. شما شش هفته پیش نسبت به این طرح بسیار متعهد و خوشبین بودید. اما امروز، وقتی بیرون هوا سرد است و تخت شما احساس راحتی می کند، چقدر انگیزه دارید که در تاریکی بیدار شوید؟

احساسات ما آنقدر سازگار نیستند که ما را برای انجام کارهای سخت تر غیب کنند. این یکی از دلایلی است که بسیاری از ازدواج ها به طلاق ختم می شود. افراد به این دلیل ازدواج می کنند که نسبت به طرف مقابلشان احساس عشق می کنند. اما وقتی با هم زندگی می کنید زندگی سخت می شود. استرس ناشی از مشکلات مالی و کار را تجربه می کنید. اگر خدا به شما فرزندانای عنایت کند، آنها مایه شادی هستند - و همچنین کار زیادی. چیزهای زیادی وجود دارد که زن و شوهر می توانند در مورد آنها دعوا و دعوا کنند. احساسات عشقی که در ابتدا احساس کردید می تواند در استرس و کار روزمره غرق شود.

در اینباره چکاری می توانیم بکنیم؟ دوباره از شما می پرسیم: عشق در دو فرمانی که عیسی درباره آن صحبت کرد، چه نوع کلمه ای است؟ عشق یک فعل است. عشق یک عمل است، یک انتخاب است. به همین دلیل است که عیسی می تواند در جاهای دیگر بگوید «دشمنان خود را دوست بدارید». او از ما نمی خواهد که نسبت به دشمنان خود و کسانی که ما را آزار می دهند احساس محبت داشته باشیم. که بسیار دشوار خواهد بود. در عوض، عیسی به ما می گوید که دشمنان خود را با اعمال خود دوست بداریم.

ما به تنهایی نمی توانیم اینگونه دوست داشته باشیم. دوست داشتن خانواده خودمان به اندازه کافی سخت است. اما دوست داشتن دشمنان قدرت خاصی می خواهد که ما آن را نداریم. لطفاً با من به اول یوحنا 4: 9-12، 20 نگاه کنید.

«۹ خدا با فرستادن پسر یگانه خود به جهان نشان داد که چقدر ما را دوست دارد تا به وسیله او زندگی جاودانی داشته باشیم.

۱۰ این عشق واقعی است - نه اینکه ما خدا را دوست داشتیم، بلکه این است که او ما را دوست داشت و پسر خود را به عنوان قربانی فرستاد تا گناهان ما را بر دارد.

۱۱ دوستان عزیز، از آنجایی که خدا ما را بسیار دوست داشت، ما باید همدیگر را دوست داشته باشیم.

۱۲ هیچ کس خدا را ندیده است. اما اگر همدیگر را دوست داشته باشیم، خداوند در ما زندگی می کند و عشق او در ما کاملاً تجلی می یابد.

۲۰ اگر کسی بگوید: «خدا را دوست دارم» اما از هم ایمانی خود متنفر باشد، دروغگو است. زیرا اگر افرادی را که می توانیم ببینیم دوست نداشته باشیم، چگونه می توانیم خدایی را که نمی توانیم ببینیم، دوست داشته باشیم؟»

آیه ۲۰ توضیح کاملی برای ارتباط بین این دو فرمان است. اگر حتی افرادی را که از نظر فیزیکی در اطراف خود می بینیم دوست نداشته باشیم، آیا واقعاً می توانیم ادعا کنیم که خدایی را دوست داریم که نمی توانیم ببینیم؟ راستش دستور عیسی به «همسایه خود را مانند خود دوست بدار» برای من بسیار سخت است. چون خودم را خیلی دوست دارم! همه ما انجام می دهیم.

مردم یومیه در کنگو ضرب المثلی دارند، «Dia lobula» که به معنای «تانی که از قبل در دهانت است به همسایه خود بده». دادن کسی از مازاد من کار سختی نیست. اما دادن غذا یا پولی که به کسی نیاز دارم غیرممکن به نظر می رسد. اما بگذارید به شما دوستان بگویم، عیسی به ما دستور می دهد که مردم را حتی بیشتر از این دوست داشته باشیم.

در شب قبل از مرگ، عیسی این را به شاگردان خود در یوحنا فصل ۱۳ آیه ۳۴ تا ۳۵ گفت.

«۳۴ فرمان جدیدی به شما می دهم که یکدیگر را دوست بدارید، همانطور که من شما را دوست داشتم، شما نیز یکدیگر را دوست بدارید.

۳۵ اگر به یکدیگر محبت کنید، همه از این طریق خواهند دانست که شما شاگردان من هستید.»

معیار اینجا این است که دیگران را آنطور که خودم دوست دارم دوست نداشته باشم. عیسی در آیه 34 چه می گوید؟ «همانطور که من شما را دوست داشتم بکنیدگر را دوست بدارید.» انتظارات عیسی عمیق تر و غیرممکن تر از قانون طلایی است. قانون طلایی می گوید: «با دیگران همانطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند.» عیسی در عوض به ما می گوید: «من می خواهم با دیگران همانطور رفتار کنم که با شما رفتار کردم. شما باید دیگران را حتی بیشتر از خودتان دوست داشته باشید. شما باید عشق فداکارانه، غیرمحور و فدیهدهنده ای را که من به شما دادم ارائه دهید.»

عیسی شما را دوست داشت زمانی که شما از نظر اخلاقی ناتوان بودید، در تجاوزات سرکش خود مرده بودید. عیسی شما را زمانی که دشمن او بودید دوست داشت. او شورش های مثل ما را آنقدر دوست داشت که برای ما بمیرد. این انجیل است، و این تنها قدرتی است که می تواند به ما کمک کند دیگران را دوست بداریم. عیسی جان خود را با کمال میل داد تا شما را نجات دهد، زیرا او شما را دوست دارد. می دانم که هر هفته این را می گویم، اما باید هر هفته آن را بشنویم! من باید هر روز یادآوری کنم.

من دوست دارم ارتباط بین این دو فرمان را یک تکه ماکارونی آرنج بدانم. آیا این تکه پاستا را می شناسید؟ این نوعی است که اغلب برای تهیه ماکارونی و پنیر استفاده می شود. که خوشمزه است. فکر می کنم اگر این شکل ماکارونی را به خاطر بیاورید، ارتباط این دو فرمان را به خاطر خواهید آورد. ببینید پاستا در بالا چگونه باز می شود؟ ما باید قلب و ذهن خود را به عشق و حقیقت خداوند از بالا باز نگه داریم. به این ترتیب، عشق او می تواند از طریق ما جاری شود و به سوی افراد دیگر سرازیر شود. اگر عشق به انسان های دیگر از پایین بیرون نمی آید، به این دلیل است که چیزی وارد بالا نمی شود.

به مقدار عشقی که مسیح به من و شما می دهد فکر کنید. به خاطر چند گناه مرد؟ چند دعا را مستجاب کرده است؟ چقدر نعمت در بهشت در انتظار ماست؟ اگر عیسی چنین محبت فراوانی به من داده است، چرا گاهی اوقات دلم و دست خود را به روی همسایه ام می بندم؟

این چیزی است که می خواهم شما دوستان من را به خاطر بسپارید. دو فرمان در گذر امروز به هم مرتبط هستند. و آنها باید به ترتیب صحیح بیانند. ما ابتدا به یک رابطه قوی، محبت آمیز و عمودی با خدا دعوت می شویم. عیسی مرد تا ما را فرزندان خدا کند. پس از آن، به عنوان فرزندان او، نوع محبتی را که دریافت کردیم، بین دیگران توزیع می کنیم. اگر مردم اطرافمان را دوست نداشته باشیم، دلیلی بر این است که رابطه عمودی ما با خدا مشکل دارد.

برای پایان دادن به این خطبه، اجازه دهید داستان واقعی یک کشاورز در چین را برای شما تعریف کنم که مسیحی شده بود. مزارع او در کنار کوهی بود که پلکانی با خاکریز داشت. دیوارها خاک و آب را حفظ می کنند. این کشاورز مسیحی مزارع خود را با حمل آب به بالای کوه آبیاری می کرد. سفرهای زیادی بالا و پایین، هر روز. کشاورز همسایه تنبلی داشت که زمین هایش زیر زمینش بود. در شب، همسایه تنبل اغلب یک سوراخ در دایک باز می کند. او آب را در مزارع خودش تخلیه کرد تا از زحمت حمل آب به بالا و پایین کوه نجات پیدا کند.

در این مورد چه می کنید؟ آیا می خواهید در همسایه خود را بگویید؟ آیا بر سر او فریاد می زنید و به او می گویید که دزدی آب شما را متوقف کند؟ بگذارید به شما بگویم این کشاورز مسیحی چه کرد. او شروع به حمل آب نه تنها برای مزارع خود، بلکه برای مزارع همسایه خود کرد! همسایه پس از دو هفته دیدن آن چنان از این محبت فروتنانه شگفت زده شد که او نیز مسیحی شد.

دوستان من، وقتی ما عشق فداکارانه، سخاوتمندانه و رادیکال را به دیگران تقدیم می کنیم، به عیسی اشاره می کنیم. زیرا این نوع عشق نمی تواند از ما ناشی شود. وقتی همسایه خود را خوب دوست داریم، شخصیت ملکوت را نشان می دهیم. ما در حال ارائه شواهدی به جهان هستیم مبنی بر اینکه نوعی عشق ماوراء طبیعی وجود دارد که به ما انگیزه می دهد.

بله، خیلی سخت است که همسایگان خود را همانطور که مسیح ما را دوست داشت دوست داشته باشیم. هنگامی که عشق زیادی به صورت افقی به سوی دیگران جاری می شود، باید توسط عیسی دوباره به صورت عمودی پر شوید. وقتی احساس تخلیه می کنیم باید به سوی عیسی آب زنده برگردیم تا او بتواند ما را سر حال کند. در این فرآیند، عیسی به ما می آموزد که دیگران را همانطور که ما را دوست داشت دوست داشته باشیم. با تمام قلب، تمام روح، تمام ذهن و تمام توانمان.

حالا با هم دعا کنیم: عیسی، زمانی که ما از خدا دور بودیم، تو ما را دوست داشتی. ما دشمن شما بودیم می خواستیم در گناه خود تنها بمانیم. اما تو عشق و خونت را برای نجات ما ریختی. تو به ما نشان دادی که عشق واقعی چیست. حالا لطفاً از ما به عنوان ابزار عشق خود استفاده کنید. به ما کمک کن تا همسایگان خود را به نام خود دوست بداریم تا جهان بدانند که تو بره خدا هستی. لطفاً این کار را، پدر، برای خیر ما و جلال خود انجام دهید. ما به نام عیسی دعا می کنیم.

آمین

One Voice Fellowship 